

بازتاب زشتی در شاهنامه فردوسی با تکیه بر نگاه اومبرتو اکو

چکیده

شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین متون حماسی زبان فارسی، تصویری چندلایه از مفاهیم زشتی ارائه می‌دهد. مفاهیمی که نه تنها در بعد جسمانی افراد؛ بلکه در ساحت درونی شخصیت‌ها نیز تجلی یافته‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به بازتاب مفهوم زشتی در شاهنامه فردوسی می‌پردازد و از دیدگاه اومبرتو اکو در کتاب «تاریخ زشتی» بهره می‌گیرد و تلاش می‌کند تا درکی ژرف از کارکرد زیبایی‌شناختی و نمادین زشتی در شاهنامه ارائه دهد. اکو در کتاب «تاریخ زشتی» با نگاهی تاریخی و فرهنگی نمودهای زشتی را در تمدن غرب تحلیل کرده است. فردوسی نیز در شاهنامه بازتابی از زشتی‌های ظاهری و درونی را در چارچوب اخلاق، حماسه و جهان‌بینی ایرانی ارائه کرده است. این مقاله می‌کوشد نقاط اشتراک میان این دو نگرش به مفهوم زشتی را نشان دهد. نتایج تحقیق نشان داد که فردوسی مانند سنت غرب در بازنمایی زشتی، فراتر از ظاهر، لایه‌های ژرف‌تر اخلاقی و اجتماعی را مد نظر داشته‌است. شخصیت‌هایی مانند ضحاک و دیوان نمونه بارز زشتی چهره و تباهی درون‌اند. در جنگ رستم با دیوان، فردوسی با بهره‌گیری از زشتی ظاهری دیوان، علاوه بر تنش دراماتیک داستان، تقابل نور و ظلمت را در قالب تصویرهای حسی و قابل درک برای مخاطب آشکار می‌سازد. در این میان استثناهایی وجود دارد که خواننده را به تأمل در نسبت پیچیده ظاهر و باطن وامی‌دارد. دشمنان ایران نیز در یک مرزبندی هویتی و فرهنگی به عنوان «دیگری» از نمودهای زشتی هستند. زشتی در شاهنامه صرفاً امری فیزیکی نیست؛ بلکه با مفاهیمی چون ستمگری، حب قدرت، بی‌خردی، خیانت و... درهم تنیده‌است.

واژگان کلیدی: تاریخ زشتی، نقد زیبایی‌شناختی، اومبرتو اکو، شاهنامه، بازتاب زشتی

۱- مقدمه

مفهوم زشتی دیرگاهی است که ذهن انسان را درگیر کرده است. این مفهوم در عرصه‌های هنر، زیبایی‌شناختی، اخلاق، دین، سیاست و هویت بازتاب یافته است. مبحث زشتی در دنیای غرب از افلاطون شروع شد. وی باور داشت جهان مادی، سایه و تقلیدی از عالم مُثُل است؛ بنابراین زشتی را هم‌ردیف با عدم می‌شمرد (اکو، ۱۴۰۱: ۱۵). همچنین زشتی را متضاد زیبایی و «نامتناسب بودن آن چیز با غایتش» می‌خواند (کرمی، ۱۴۰۱: ۱۸۷). هندرسون (۱۴۰۲: ۱۲) معتقد است که زشتی و زیبایی به جای آن‌که دوگانه‌ای صرف باشند، بیشتر مانند ستارگان دوتایی در میدان جاذبه یکدیگر می‌افتند و در همان حال که با ستارگان دیگر یک صورت فلکی تشکیل می‌دهند، به گرد یکدیگر نیز می‌چرخند (رک. عبادیان، ۱۳۸۶: ۱۳). هیوم (۱۳۹۹: ۷۹-۱۰۲) نیز به بحث درباره چیستی زشتی و زیبایی می‌پردازد و آنها را کیفیتی نه در خود پدیده‌ها؛ بلکه در ذهنی که در آن پدیده می‌نگرد، می‌داند.

در ادبیات فارسی زشتی مفهومی کهن و پایه‌پای زیبایی آمده است، ولی پژوهش در باب امر زشت همواره از نظر دور مانده است؛ زیرا در طول تاریخ، مهم‌ترین موضوع پژوهش آثار ادبی بحث زیبایی‌شناختی بوده است و اگر هم از زشتی سخنی به میان آمده باشد، حول محور زیبایی و مفهومی متضاد با آن بوده است. از این‌رو، بر آن شدیم تا بازتاب زشتی را در شاهنامه بررسی و تحلیل کنیم.

کتاب «تاریخ زشتی» نوشته اکو، نگاهی تاریخی به این مفهوم دارد. او نشان می‌دهد چگونه زشتی می‌تواند در دوران و فرهنگ‌های مختلف معنایی متفاوت یابد. این مقاله بر آن است تا با تکیه بر نگاه زیبایی‌شناختی و تاریخی اکو، بازتاب زشتی در شاهنامه را تحلیل کند و نشان دهد چگونه فردوسی از زشتی به عنوان ابزاری نمادین در شخصیت‌پردازی و انتقال مفاهیم اخلاقی بهره گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. بدین صورت که ابتدا مبانی نظری پژوهش بیان شده است و در ادامه به کاربرست آن در کتاب شاهنامه پرداخته‌ایم.

هدف آن است که با بررسی نمونه‌هایی از اشعار شاهنامه، به درکی عمیق‌تر از کارکرد ادبی و زیبایی‌شناختی زشتی در این اثر بنیادین دست یافته، به این سوال پاسخ دهیم که: فردوسی در شاهنامه چگونه از مفهوم زشتی (ظاهری و درونی) به مثابه ابزاری زیبایی‌شناختی و اخلاقی بهره می‌گیرد و این بهره‌گیری چه نقشی در شکل‌گیری نظام ارزشی اثر دارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در باب زشتی در غرب تحقیقات فراوانی انجام گرفته است. افلاطون، ارسطو، آگوستین و هیوم از اولین دانشمندانی هستند که به بحث زشتی پرداخته‌اند. در سده‌های اخیر کارل روزانکراتس (۱۹۸۵) اولین کسی است که به طور

مستقل کتاب «زیبایی‌شناسی زشتی» را نوشته‌است. او در این کتاب زشتی را با شرّ اخلاقی مقایسه می‌کند و به تعبیر وی همان گونه که شرّ جهنم خوبی است، زشتی هم جهنم زیبایی است. اکو (۱۴۰۱) دومین تحقیق مستقل را در باب زشتی می‌نویسد. وی در کتاب «تاریخ زشتی» سیر بروز زشتی را در تاریخ غرب پی می‌گیرد. در ادبیات فارسی، در باب زشتی پژوهش‌های اندکی انجام گرفته‌است که می‌توان به آنها اشاره کرد: اسداللهی (۱۳۹۶) در مقاله «مارسل پروست خالق بوطیقای بدی» (این مقاله در زمینه ادبیات فارسی نیست) بین مفهوم زشتی و بدی جدایی می‌افکند و نشان می‌دهد که ممکن است هر پدیده زشتی بد نباشد. اردلانی (۱۳۹۵) در مقاله «آیرونی در شعر حافظ» طنز را که یکی از ابزارهای مهم در نشان دادن زشتی‌ها است، بررسی کرده‌است. ایشان در این مقاله آیرونی و طنز را در شعر حافظ، وسیله‌ای برای انتقاد غیرمستقیم از اعمال و رفتار نادرست اشخاص و حاکمان می‌داند. کرمی (۱۴۰۱) در مقاله «درآمدی بر زیبایی‌شناسی زشتی» به مفهوم زشتی در هنر و کارکردهای ظهور و بروز زشتی در عالم هنر پرداخته‌است و نتیجه می‌گیرد همانطور که نمود زیبایی در آثار هنری دارای کارکرد است، بروز زشتی نیز کارکردهایی زیبایی‌شناختی، معرفتی، روان‌شناختی و پروپاگاندیک دارد. ستاری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «ضرورت زشتی‌شناسی در متون ادبی» غزلی از حافظ را از منظر زشتی‌شناسی تحلیل کرده‌اند و نتیجه می‌گیرند از طریق زشتی‌شناسی متن‌ها می‌توان به انسجام و یکپارچگی متن پی برد.

۲. بحث (مبانی نظری)

درک مفاهیم زیبایی و زشتی همواره تابعی از دگرگونی‌های فرهنگی، دینی، فلسفی و اجتماعی است. اکو (۱۴۰۱: ۱۰) در کتاب «تاریخ زشتی» می‌کوشد از خلال آثار هنری، متون مذهبی، فلسفی و ادبی، سیر تحول نگاه انسان غربی به زشتی را روایت کند. او در برگ‌های آغازین کتاب، زشتی را به عنوان سه پدیده متفاوت بررسی می‌کند؛ «زشتی فی‌نفسه»، «زشتی ظاهری» و «توصیف هنری این دو». او می‌نویسد: زشتی‌های ظاهری و زشتی‌های فی‌نفسه سبب به وجود آمدن نمایش هنری آن‌ها می‌شود (همان، ۱۰). وی زشتی فی‌نفسه را مشتمل‌کننده می‌داند که حس انزجار را در انسان برمی‌انگیزد؛ مانند لاشه متعفن یا نجاست. اما درباره زشتی ظاهری می‌نویسد: این نوع زشتی در قالب فقدان توازن در روابط ارگانیک اجزای یک کل بروز می‌نماید. فردی را تجسم کنید که بیشتر دندان‌هایش ریخته است. آن‌چه برای ما ناخوشایند است، فرم لب‌ها یا چند دندان باقی‌مانده نیست بلکه این واقعیت است که همین چند دندان باقی‌مانده با بقیه دندان‌هایی که باید در آن دهان باشد، همراه نیستند و چون این شخص را نمی‌شناسیم از نظر عاطفی درگیر ماجرا نمی‌شویم. پس به سبب روبرو شدن با ناهمسانی یا نقص موجود در آن کل، خود را محق می‌دانیم که بی‌طرفانه بگوییم آن صورت زشت است (همان، ۹). به این ترتیب او توصیف زشتی فی‌نفسه و ظاهری را کاری هنری می‌داند؛ هرگاه از زشتی هنری سخن می‌گوییم باید به این نکته دقت کنیم که تمامی نظریه‌های